Vol. 13 | No. 3456 | Sun. Nov 8 . 2026 | یکشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۵ | ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۵۶ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

بازار جهانی در محدوده ۴ هزار دلار و نگاه محتاطانه به سال ۲۰۲۷

طلا پس از رکوردشکنی در مسیر اصلاح

صفحه ۲

فرونشست به قلب شمال رسیده است

برج‌ها بالا می‌روند زمین فرو می‌نشیند

صفحه ۵

پالس مثبت برای ثبات اقتصاد کلان

شتاب رشد پول کم شد

روند رشد نقدینگی در ماه‌های اخیر از کاهش تدریجی شتاب این متغیر پولی حکایت دارد؛ به‌طوری که رشد سالانه نقدینگی از ۵۴.۴ درصد در مردادماه به ۵۰.۹ درصد در مهرماه رسیده و بانک مرکزی از نزدیک شدن آن به کانال ۴۰ درصدی خبر می‌دهد.به گزارش ایسنا، تازه‌ترین اطلاعات اعلام شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد رشد سالانه نقدینگی در مهرماه ۱۴۰۵ به ۵۰.۹ درصد رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با رشد ۵۱.۶ درصدی شهریورماه، کاهش ۰.۷ واحد درصدی را نشان می‌دهد.رییس کل بانک مرکزی نیز هفتم آبان‌ماه با اشاره به این روند اعلام کرد که رشد سالانه نقدینگی در آستانه بازگشت به کانال ۴۰ درصدی قرار گرفته است.با این حال، بررسی جزییات آمارهای اعلام‌شده نشان می‌دهد اگرچه سرعت رشد سالانه نقدینگی در ماه‌های اخیر کاهش یافته، اما هنوز نمی‌توان از مهار کامل این متغیر سخن گفت. بر اساس اعلام عبدالناصر همتی، رشد نقدینگی در هفت ماه نخست سال جاری به ۲۴ درصد رسیده است. این در حالی است که رشد نقدینگی در دوره مشابه سال گذشته ۲۵.۹ درصد بود؛ بنابراین افزایش نقدینگی در هفت ماه ابتدایی امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۱.۹ واحد درصد کاهش داشته است. از سوی دیگر، رشد ماهانه نقدینگی در مهرماه به ۲.۷ درصد رسیده که نشان می‌دهد حجم این متغیر پولی در یک ماه همچنان افزایش قابل توجهی داشته است. نکته قابل تأمل آن است که رشد ماهانه نقدینگی در شهریورماه ۱.۳ درصد اعلام شده بود. بنابراین در مهرماه سرعت افزایش ماهانه نقدینگی بیش از دوبرابر شده است...

ادامه در صفحه ۲



سیلاب‌ها کمکی به تالاب‌های ایران می‌کنند

ال‌نینو در راه است؟

رکورد تاریخی رکود استخراج شکسته شد

بیت کوین زیر فشار فروش

بازار بیت کوین پس از یک هفته پرنوسان، همچنان درگیر فشار فروش و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران است. بزرگ‌ترین رمزارز جهان که در پی تحولات سیاسی امریکا و بسته شدن موقعیت‌های معاملاتی فروش، بار دیگر به محدوده ۸۰ هزار دلار نزدیک شده بود، روز پنجشنبه با موج تازه‌ای از فروش مواجه شد و بخش عمده رشد خود را...

صفحه ۶ را بخوانید

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

صعود یکپارچه بورس

سومین هفته آبان‌ماه در حالی با سبزپوشی تالار شیشه‌ای آغاز شد که بازار سهام بار دیگر شاهد افزایش تقاضا و بهبود نسبی فضای معاملاتی بود. در جریان معاملات روز شنبه، نمادهای بورسی عمدتاً در مسیر صعودی حرکت کردند و شاخص‌های اصلی بازار نیز رشد قابل توجهی را به ثبت رساندند. این اتفاق در شرایطی رخ داد که بازارهای موازی نتوانستند عملکرد جذابی از خود به نمایش بگذارند و بورس بار دیگر در کانون توجه بخشی از سرمایه‌گذاران قرار گرفت. بازگشت تقاضا به بازار سهام را می‌توان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر فضای معاملاتی در روزهای اخیر دانست. پس از دوره‌ای که نگرانی‌های سیاسی، اقتصادی و افزایش ریسک‌های سیستماتیک موجب احتیاط معامله‌گران شده بود، اکنون نشانه‌هایی از بهبود انتظارات در تالار شیشه‌ای مشاهده می‌شود. سبزپوشی گسترده نمادها نیز نشان می‌دهد که تقاضا تنها به چند سهم بزرگ محدود نبوده و بخش قابل توجهی از بازار در مسیر مثبت قرار گرفته است. بااین‌حال، نمی‌توان صرفاً...

صفحه ۴ را بخوانید

یادداشت-۱

با بارش‌های فزاینده چه کنیم؟



مهدی زارع

طی روزهای اخیر احتمال وقوع سیلاب (به‌ویژه سیلاب ناگهانی) در بخش‌هایی از استان‌های غربی، جنوب غربی و برخی مناطق شمالی و دامنه‌ای وجود دارد. بارش‌های آبان ۱۴۰۵ عمدتا فراتر از نرمال (به ویژه نیمه غربی کشور) پیش‌بینی شده و بارها هشدار نارنجی و قرمز برای رگبار شدید، رعد و برق، طغیان رودخانه‌ها و سیلاب ناگهانی صادر شد. استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، ایلام، لرستان، کرمانشاه، گیلان و بخش‌هایی از کردستان و ارتفاعات البرز در دوره‌های مختلف آبان تحت تاثیر بوده‌اند. گزارش‌هایی از آبگرفتگی معابر، سیلاب محلی (مثل رودهن) و امدادرسانی هلال‌احمر به ده‌ها نفر در چند استان نیز منتشر شده است. دلیل اصلی افزایش ریسک، الگوی بارش‌های شدید و کوتاه‌مدت (رگباری) به جای باران ملایم و مداوم است؛ خاک خشک پس از دوره‌های کم بارش، ظرفیت جذب پایینی دارد و رواناب سریع شکل می‌گیرد. البته توزیع بارش ناهماهنگ است و همه مناطق به یک اندازه در خطر نیستند. تجمیع بارش کشور در مقاطعی حتی کمتر از نرمال گزارش شده، اما شدت نقطه‌ای بالاست. خطر جدی معمولا بر اساس الگوهای رایج سیلاب شهری در مناطق جنوبی و کم ارتفاع شهرها و مسیل‌ها حاشیه رودخانه‌هاست. در تهران، شیب کلی به سمت جنوب یا دشت‌های پایین‌دست است. آب از ارتفاعات شمالی یا غربی سرازیر می‌شود و در نقاط پست جمع می‌شود. این مناطق اغلب بیشترین آسیب را می‌بینند. طبقات زیرین ساختمان‌ها، زیرزمین‌ها و پارکینگ‌های زیرزمینی به دلیل نفوذ آب از معابر و عدم زهکشی مناسب، بسیار آسیب‌پذیرند. آبگرفتگی سریع می‌تواند تجهیزات، انبارها و دسترسی‌ها را مختل کند. متروها، تونل‌ها و زیرگذرها در صورت بارش شدید و انسداد زهکش‌ها یا بالا آمدن سطح آب، خطر آبگرفتگی جدی دارند. از سوی دیگر خطر آبگرفتگی معابر، زیرگذرها و تونل‌ها جدی است. همچنین باید توجه داشت که ضعف زیرساخت‌های زهکش‌های شهری، ساخت‌وساز در حریم مسیل‌ها و مدیریت نامناسب رواناب در مناطقی مانند رودهن عامل اصلی ریسک سیلاب است نه صرفا حجم باران. آنچه مردم باید بدانند، این است که از تردد و توقف در حاشیه رودخانه‌ها، مسیل‌ها و مناطق پست خودداری شود و به هشدارهای محلی توجه شود. چگونه این بارش‌ها را به نفع کمبود آب به کار بگیریم و مشکل را به ظرفیت تبدیل کنیم؟

ایران با کمبود مزمن آب (ذخایر سدها در برخی مناطق بحرانی، افت سفره‌های آب زیرزمینی و هشدارهایی درباره تهران) روبه‌رو است، در حالی که بخش بزرگی از بارش‌ها تبخیر می‌شود یا به صورت سیلاب هدر می‌رود. تبدیل سیلاب به منبع، رویکردی شناخته شده و عملی است.

- **استحصال و ذخیره‌سازی آب باران:** جمع‌آوری از سقف ساختمان‌ها، معابر و سطوح شهری در مخازن خانگی، محلی یا شهری. این آب می‌تواند برای آبیاری فضای سبز، مصارف غیرشرب یا حتی پس از تصفیه ساده برای برخی مصارف استفاده شود. مطالعات در ایران نشان داده‌اند پتانسیل قابل توجهی برای کاهش وابستگی به منابع اصلی وجود دارد.
- آبخوان‌داری و تغذیه مصنوعی سفره‌های زیرزمینی
- هدایت کنترل شده سیلاب به حوضچه‌های نفوذ، گودال‌ها یا سیستم‌های سنتی-مدرن برای نفوذ به زمین هم سیلاب را کاهش می‌دهد و هم ذخایر زیرزمینی را تقویت می‌کند.
- روش‌هایی مانند نیم‌دایره‌ها، خطوط سنگی، بندهای خاکی کوچک و سیستم‌های گورآب-آب‌انبار سنتی.
- مدیریت یکپارچه حوضه آبریز و سازه‌های کوچک کنترل سیلاب.
- بندهای تاخیری و کنترل سیل در بالادست.
- احیای روش‌های سنتی ایرانی -مانند گورآب و آب‌انبار- در ترکیب با فناوری مدرن.
- ایجاد فضاهای سبز نفوذپذیر، باغ‌های بارانی و سطوح نفوذپذیر شهری برای کاهش رواناب.

اقدامات تکمیلی

- بهبود زهکشی شهری و جلوگیری از ساخت‌وساز در مسیل‌ها.
- افزایش راندمان آبیاری کشاورزی (قطره‌ای و غیره) تا آب ذخیره شده بهتر استفاده شود.
- برنامه‌ریزی قانونی و مشوق‌های دولتی برای استحصال آب باران (قوانین موجود در ایران بر افزایش استحصال تاکید دارند).

این رویکردها همزمان دو مشکل را حل می‌کنند: کاهش خسارت سیل و افزایش موجودی آب قابل استفاده در فصل خشک. تجربه کشورهای خشک‌تر و مطالعات ایرانی نشان می‌دهد با سرمایه‌گذاری هدفمند در مقیاس محلی و حوضه‌ای، بخش قابل توجهی از رواناب قابل استحصال است. بارش‌های فعلی پتانسیل سیلاب محلی و نقطه‌ای دارند و باید جدی گرفته شوند، اما با مدیریت درست می‌توان آنها را به فرصت تبدیل کرد.

یادداشت-۲

ظرفیت پنهان بورس برای تامین مالی اقتصاد



جواد فلاحیان

بازار سرمایه در ایران علاوه بر اینکه محلی برای سرمایه‌گذاری و خریدوفروش سهام محسوب می‌شود، یکی از مسیرهای مهم تامین مالی دولت و بنگاه‌های اقتصادی نیز به شمار می‌رود. در شرایطی که دولت برای تامین منابع مالی خود با محدودیت‌های مختلفی مواجه است، بازار سرمایه می‌تواند به عنوان یکی از کم‌هزینه‌ترین مسیرهای تامین مالی مورد توجه قرار گیرد؛ مسیری که در صورت مدیریت صحیح حتی می‌تواند به کاهش آثار تورمی تامین کسری منابع دولت کمک کند. در دولت‌های گذشته، ظرفیت‌های بازار سرمایه برای تامین مالی آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفته بود، اما با روی کار آمدن دولت جدید و تغییر رویکردهای اقتصادی و سیاست‌های بانک مرکزی، بار دیگر بازار سرمایه به یکی از گزینه‌های اصلی دولت برای تامین منابع مالی تبدیل شده است.

البته افزایش نقش بورس در تامین مالی دولت، به خودی‌خود اتفاق منفی یا تهدیدی برای بازار سهام نیست، بلکه مساله اصلی، نحوه استفاده از این ظرفیت و میزان توجه سیاستگذاران به شرایط بازار و منافع سهامداران است.

باید توجه داشت که یکی از کارکردهای اصلی بازار سرمایه، تامین مالی اقتصاد است. این هدف می‌تواند از مسیرهای مختلفی همچون انتشار اوراق، فروش دارایی‌های مازاد دولت و فراهم کردن بستر جذب منابع برای بنگاه‌های اقتصادی دنبال شود.

بنابراین محدود کردن مفهوم بازار سرمایه به رشد قیمت سهام و بازدهی روزانه شاخص‌ها، نادیده گرفتن بخش مهمی از فلسفه شکل‌گیری این بازار است.

از نگاه بنگاه‌های اقتصادی، دولت و نهادهای مالی، بورس بستری برای تامین منابع مورد نیاز، توسعه فعالیت‌ها و در نهایت افزایش تولید و رشد تولید ناخالص داخلی کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل، نمی‌توان صرفا با این استدلال که تامین مالی دولت ممکن است بخشی از منابع موجود را به سمت اوراق یا سایر ابزارهای مالی هدایت کند، آن را اقدامی منفی برای بازار سرمایه ارزیابی کرد.

با این حال، نگرانی سهامداران درباره تامین مالی دولت از بورس نیز قابل چشم‌پوشی نیست. در شرایطی که بازار سهام برای جذب نقدینگی و بازگشت اعتماد سرمایه‌گذاران تلاش می‌کند، هرگونه سیاستگذاری نامناسب می‌تواند به تشدید خروج پول و تضعیف اعتماد عمومی منجر شود. از این منظر، آنچه اهمیت دارد، مدیریت عرضه اوراق و سایر ابزارهای تامین مالی به شکلی است که تعادل بازار برهم نخورد و فشار مضاعفی بر منابع نقدینگی وارد نشود.

به بیان دیگر، تامین مالی دولت زمانی می‌تواند به فرصتی برای اقتصاد تبدیل شود که با برنامه‌ریزی، عقلانیت و درنظرگرفتن ظرفیت بازار سرمایه انجام گیرد. در مقابل، اگر نگاه سیاستگذار صرفا تامین منابع موردنیاز دولت، بدون توجه به شرایط معاملاتی و توان جذب نقدینگی بازار باشد، طبیعی است که این روند می‌تواند به زیان سهامداران تمام شود.

بر اساس اظهارات مطرح شده از سوی وزیر اقتصاد، از ابتدای سال تاکنون حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان تامین مالی از طریق بازار سرمایه انجام شده است؛ رقمی که نشان‌دهنده ظرفیت این بازار برای ایفای نقش در تامین مالی اقتصاد است. نکته قابل توجه آن است که به اعتقاد برخی کارشناسان، این میزان تامین مالی تاکنون آسیب محسوسی به بازار سرمایه وارد نکرده است.

در نهایت، باید میان اصل تامین مالی دولت از بازار سرمایه و نحوه اجرای آن تفاوت قائل شد. بورس قرار نیست صرفا محلی برای افزایش قیمت سهام باشد، بلکه باید بتواند همزمان نقش خود را در تامین مالی اقتصاد و ایجاد بازدهی منطقی برای سرمایه‌گذاران ایفا کند. حفظ این تعادل، مهم‌ترین شرط تداوم اعتماد سهامداران و استفاده موثر از ظرفیت بازار سرمایه است.

یادداشت-۳

گذرگاه طلایی مکران تا میان‌رودان



علی حیات‌نیا

از چابهار تا مهران، چگونه کریدور ساحلی جنوب، معادلات ترانزیتی شرق به غرب ایران را دگرگون می‌کند؟ هنگامی که در اسفند ۱۳۰۵ لایحه تاسیس راه‌آهن سراسری (شمال به جنوب) توسط مخبرالسلطنه هدایت به مجلس شورای ملی ارائه شد، دکتر محمد مصدق از موضعی انتقادی و اقتصادی به مخالفت با آن برخاست.

استدلال محوری مصدق در آن نطق تاریخی این بود که خط‌آهن شمال به جنوب (از بندر شاه سابق در شمال تا بندر شاهپور در جنوب) فاقد توجیه اقتصادی و تجاری لازم است، بهره‌برداری تجاری از آن توجیه‌پذیر نبوده و بیشتر اهدافی نظامی و استراتژیک را برای قدرت‌های وقت تامین می‌کند، درحالی که سرمایه ملی باید صرف پروژه‌های مولد داخلی یا زیرساخت‌های تجاری منطقه‌ای مانند محورهای شرق به غرب شود که نقش واقعی ایران را در تجارت بین‌المللی و ترانزیت میان‌قاره‌ای احیا می‌کند.

امروز پس از گذشت نزدیک به یک قرن، آن نگاه اقتصادسنجی و انتقادی به روشنی در کالبد طرح‌های نوین ترابری کشور خود را نشان می‌دهد. بررسی کریدور ترانزیتی بندر چابهار به مرز مهران، دقیقا در راستای همان دغدغه تاریخی برای خلق ارزش اقتصادی، توجیه تجاری و بازآفرینی نقش ایران در شاهراه ترانزیتی شرق به غرب معنا می‌یابد. از نگاه اقتصاد حمل‌ونقل، کریدور چابهار به مهران برخلاف محورهای تحمیلی نظامی-سیاسی گذشته، یک شبکه اتصال مستقیم مبدا-مقصد میان حوزه اقیانوس هند و کانون‌های تقاضای مصرفی در مرکز عراق است که با شاخص‌های اقتصادی، کاهش هزینه‌های مبادله، ارتقای ضریب پرشدگی ناوگان و سودآوری پایدار برای اقتصاد ملی همراه است.

برای نگارنده باتوجه به سال‌ها تجربه عملی و مطالعاتی در حوزه مدیریت لجستیک، اقتصاد بندری و برنامه‌ریزی توسعه زیرساخت‌های سرزمینی، همواره این دغدغه بنیادین وجود داشته که چرا هندسه کریدورهای ترابری در ایران به شکلی متوازن با منطق بازرگانی و جریان‌های ثروت‌آفرین شکل نگرفته است.

در برنامه‌ریزی جامع ترابری و لجستیک سرزمینی، دالان‌های پیونددهنده بنادر اقیانوسی به مبادی خروجی زمینی، ارکان اساسی تاب‌آوری زنجیره تامین و مزیت رقابتی ملی در جذب ترانزیت بین‌المللی به شمار می‌روند. بندر چابهار به عنوان یگانه بندر اقیانوسی کشور با دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد بین‌المللی، کانون بارانداز جریان بار اقیانوس هند است و در سوی مقابل، مرز مهران راهبردی‌ترین و کوتاه‌ترین معبر زمینی اتصال به پایتخت و مناطق مصرفی پرجمعیت مرکز عراق و همچنین دروازه مدیترانه و اروپا محسوب می‌شود.

مساله اصلی در مهندسی شبکه ترانزیتی این محور، گزینش بهینه دالان گذر میان این دو نقطه طلایی است، چراکه ترددها، سال‌ها بر پایه ماتریس سنتی عبور از فلات مرکزی یعنی محور یزد، اصفهان و لرستان استوار بوده که با چالش‌هایی نظیر توپوگرافی پرشیب، هزینه‌های بهره‌برداری سرسام‌آور، ناپایداری اقلیمی در فصول سرد و افت ایمنی ترافیک همراه است.

بررسی هندسی و توپوگرافی مسیرها نشان می‌دهد که دالان مرکزی با طول ۲،۲۵۰ تا ۲،۳۰۰ کیلومتر مستلزم عبور از دامنه‌های زاگرس مرکزی و صعود ناوگان به ارتفاعات بالاتر از ۲،۲۰۰ متر از سطح دریا است، به‌طوری که شیب‌های طولی پیوسته ۵ تا ۷ درصد در بخش‌های متعددی از مسیر، کشش دینامیکی تریلرهای ۴۰ تن را به شدت تنزل داده و استهلاک شدید قوای محرکه را به همراه دارد.

در مقابل، کریدور چابهار-مهران با عبور از دالان جنوبی یا همان نوار ساحلی مکران و جلگه خوزستان با طول حدود ۱،۹۷۰ کیلومتر، بیش از ۸۸ درصد مسیر خود را روی لایه‌های رسوبی هموار ساحلی و دشت آبرفتی امتداد می‌دهد، به‌طوری که حداکثر شیب طولی مسیر کمتر از ۱.۵ درصد است و سرعت سیر بازرگانی در محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت تثبیت می‌شود. این ویژگی مهندسی علاوه بر حذف کامل افت توان در ارتفاعات، خطرات ناشی از یخ‌زدگی و انسداد را نیز به صفر می‌رساند. از منظر اقتصاد حمل‌ونقل و تجارت بین‌الملل، کریدور بندر چابهار به مرز مهران به عنوان یک شبکه اتصال مستقیم مبدا-مقصد میان حوزه اقیانوسی و کانون تقاضای مصرفی منطقه و جهان عمل می‌کند.

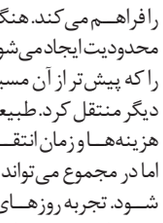
بندر چابهار به عنوان دروازه ورود کالاهای ترانزیتی اقیانوس هند، در این الگو به عنوان گره بارانداز اولیه (یا همان هاب) تعریف می‌شود و پایانه مرزی مهران، نقش گره تخلیه و توزیع مرزی را برای نفوذ تجاری به بازارهای مقصد برعهده دارد.

ایجاد پیوند ساختاریافته میان این دو پایانه، ضریب یکپارچگی زنجیره تامین فرامرزی را ارتقا داده و موجب روان‌سازی فرآیندهای لجستیکی، ترخیص کالا و تشریفات گمرکی می‌شود که مستقیما بر متغیر کشش تقاضای ترانزیت تاثیرگذار است. از دیدگاه اقتصادی و مدیریت جریان بار، ثبات و قابلیت اتکای زنجیره تامین در این محور، ریسک‌های اختلال بازرگانی و ضرایب نااطمینانی را کاهش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۴

تداوم تجارت ایران و عراق



یحیی آل‌اسحاق

تجارت خارجی ایران در شرایطی با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و نااطمینانی‌های منطقه‌ای و اقتصادی مواجه است که حفظ مسیرهای صادراتی و استمرار مبادلات با شرکای تجاری، اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. در این میان، عراق به دلیل موقعیت جغرافیایی و جایگاه خود در تجارت منطقه‌ای ایران، یکی از مهم‌ترین مقاصد صادراتی کشور محسوب می‌شود، بنابراین هرگونه اختلال در مرزهای مشترک دو کشور می‌تواند نگرانی‌هایی درباره روند صادرات و فعالیت فعالان اقتصادی ایجاد کند. با این حال، تعدد گذرگاه‌های مرزی و امکان انتقال کالا از مسیرهای جایگزین، ظرفیت مهمی برای مدیریت این محدودیت‌ها فراهم کرده است.

ایران و عراق شرکای تجاری دیرینه‌ای هستند و روابط اقتصادی دو کشور در طول سال‌های گذشته بر پایه نیازهای متقابل و ظرفیت‌های مکمل شکل گرفته است. استمرار این روابط، به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد منطقه تحت‌تاثیر تحولات سیاسی و امنیتی قرار دارد، اهمیت زیادی دارد. از همین رو، باید میان اختلال مقطعی در یک مسیر مرزی و توقف تجارت دو کشور تفاوت قائل شد. بسته شدن یک گذرگاه لزوما به معنای متوقف شدن صادرات نیست، چراکه امکان استفاده از سایر مسیرهای ارتباطی همچنان وجود دارد.

ایران و عراق ۱۸ گذرگاه مرزی مشترک دارند و همین ظرفیت، امکان انعطاف‌پذیری در مسیرهای تجاری را فراهم می‌کند. هنگامی که در یکی از گذرگاه‌ها محدودیت ایجاد می‌شود، می‌توان بخشی از کالاهایی را که پیش‌تر از آن مسیر عبور می‌کردند، به مرزهای دیگر منتقل کرد. طبیعتا این جابه‌جایی ممکن است هزینه‌ها و زمان انتقال کالا را تحت‌تاثیر قرار دهد، اما در مجموع می‌تواند مانع از توقف جریان صادرات شود. تجربه روزهای اخیر نیز نشان می‌دهد که فعالان اقتصادی در واکنش به محدودیت‌های مرزی، مسیرهای جایگزین را برای انتقال کالا به کار گرفته‌اند. درواقع، مساله اصلی در چنین شرایطی، حفظ پیوستگی تجارت و جلوگیری از تبدیل مشکلات مقطعی به اختلالی گسترده در مبادلات است. تجارت خارجی به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد و هرگونه نااطمینانی در مسیرهای صادراتی می‌تواند بر برنامه‌ریزی تولیدکنندگان، صادرکنندگان و خریداران اثر بگذارد، به همین دلیل، هماهنگی میان دستگاه‌های مسوول، فعالان اقتصادی و نهادهای مرزی برای تسهیل انتقال کالا و رفع موانع احتمالی ضروری است. البته وضعیت صادرات کشور را نیز باید در چارچوب شرایط عمومی اقتصاد بررسی کرد. براساس اظهارات رییس اتاق مشترک ایران و عراق، صادرات ایران در مجموع نسبت به سال گذشته با ۲۰ درصد تغییر همراه بوده و این وضعیت تاحدودی در تجارت با عراق نیز اثر گذاشته است، بنابراین ارزیابی روابط تجاری دو کشور تنها با بررسی وضعیت گذرگاه‌ها کامل نمی‌شود و باید شرایط کلی صادرات، محدودیت‌های اقتصادی و تحولات منطقه‌ای را نیز در نظر گرفت.

ادامه در صفحه ۳